



توراه اور • پاراشا حיי שרה • مامار 2

להבין ענין משארז"ל יפה שעה אחת בתשובה ומע"ט...

برای فهم تعلیم حکیمان ما: «یک ساعت بهتر است...»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/chayei-sarah/2

1 שייך לפסוק ואברהם זקן בא בימים

در ارتباط با آیه «و ابراهام (آברהם) سالخورده شد و روزهای بسیار را پشت سر گذاشت».

2 להבין ענין משארז"ל [מה שאמרו רבותינו זכרונם לברכה] יפה שעה אחת בתשובה ומע"ט [ומעשים טובים] בעוה"ז

מכל חיי עוה"ב [עולם הבא]. וצריך להבין והלא תכלית תשובה ומע"ט [ומעשים טובים] הוא שמהם נעשו

לבושין לנשמה שתוכל ליהנות מזיו השכינה בעוה"ב [בעולם הבא]

برای فهم آموزه حکیمان ما، یادشان گرامی باد: «یک ساعت بازگشت (تשובه، teshuvah) و اعمال نیک در این جهان، بهتر از سراسر زندگی جهان آینده است.» و باید این را فهمید: آیا هدف بازگشت و اعمال نیک این نیست که از آنها جامه‌هایی برای نفس ساخته شود، تا بتواند در جهان آینده از تابش حضور الهی (שכינה، Shechinah) بهره‌مند شود،

כמאמר הזוהר ע"פ ואברהם זקן בא בימים באינון יומין עילאין כו' ווי ליה לההוא גברא דגרע יומין

לעילא דכד בעיין לאלבשא ליה באינון יומין יומא דפגם חסרא ליה מההוא לבושא כנ"ל.

چنان‌که زوهر (זהר) درباره آیه «و ابراهیم (آברהם) سالخورده بود و به روزها درآمده بود» می‌گوید: «در آن روزهای برین»، و غیره؛ «وای بر آن مردی که روزهایی را در بالا کاسته است! زیرا هنگامی که می‌آیند تا او را در آن روزها بپوشانند، روزی که آن را معیوب ساخته است از آن جامه کم است»، چنان‌که پیش‌تر گفته شد؟

3 והענין דהנה ענין זיו השכינה בעוה"ב [בעולם הבא] אינו כמו התפשטות חיות אלקות בתוך העולמות.

כמ"ש ואתה מחיה את כולם שהחיות אלקות המתלבש תוך עלמין אינו מושג ונראה.

توضیح این است که پرتو حضور الهی (שכינה، Shechinah) در جهان آینده مانند گسترش نیروی حیات الهی درون عوالم نیست؛ چنان‌که نوشته شده است: «و تو همه را زنده می‌کنی»؛ زیرا نیروی حیات الهی که درون عوالم متلبس است، نه درک می‌شود و نه دیده می‌شود.

כמשל התפשטות החיות של הנשמה תוך הגוף בהתחלקות האברים ובודאי בהחיות רוחני לא שייך כלל

שיהיה בו ג"כ התחלקות החיות לחלקים כי אין ברוחניות שום תמונה וציור.

مانند تمثيل گسترش نیروی حیات نفس در بدن، که میان اندام‌ها تقسیم می‌شود؛ و البته در نیروی حیات روحانی، تقسیم نیروی حیات به بخش‌ها اصلاً معنا ندارد، زیرا در امر روحانی هیچ تصویر و شکلی وجود ندارد.

4 והנה התפעלות החיות באברים ניכר ונראה. אבל מהות ועצמות החיות אינו נראה וניכר כלל.

اکنون اثر نیروی حیات (حیوة، chayus) در اندامها شناخته و آشکار است؛ اما ماهیت و ذات حیات اصلاً دیده یا شناخته نمی‌شود.

כמו כן חיות אלקות המחיה כל העולמות בע"ג [בעלי גבול / בעל גבול] ותכלית בודאי אין בהחיות הרוחני בחי' גבול ותכלית ד"מ [דרך משל] חיות המחיה את עיגול כדור השמים בודאי לא יתכן לומר שגם החיות הרוחני הוא בתמונת עיגול כנ"ל

همچنین حیات الهی که به همه عوالم محدود و متناهی حیات می‌بخشد: بی‌تردید در حیات روحانی هیچ‌گونه حد و نهایتی نیست. برای مثال، آن حیات که به کره گرد آسمان حیات می‌بخشد؛ بی‌تردید نمی‌توان گفت که حیات روحانی نیز به شکل دایره است، چنان‌که پیش‌تر گفته شد؛

רק שהתפשטות החיות הוא לפי תמונת כלי המקבל החיות ואע"פ [ואף על פי] שהחיות מתלבש לתוכו מ"מ החיות עצמו אינו בגדר מקום וגבול:

تنها گسترش حیات متناسب با شکل ظرفی است که آن را دریافت می‌کند؛ و هرچند حیات درون آن متلبس می‌شود، باین‌حال خود حیات در مقوله مکان و حد نمی‌گنجد.

5 ובזה יובן דכתיב מכה"כ [מלא כל הארץ כבודו] ותרגמו זיו יקריה שהוא רק זיו והתפשטות הארה בלבד.

וכתיב את השמים ואת הארץ אני מלא.

و با این بیان روشن می‌شود آنچه نوشته شده است: «تمام زمین از جلال او آکنده است»؛ و ترگوم (Targum, תרגום) آن را «فروغ جلال او» ترجمه می‌کند، که تنها فروغی است، یعنی صرفاً گسترش تابشی. و نوشته شده است: «آسمانها و زمین را من پر می‌کنم.»

והענין ששניהם אמת כנ"ל וזשארז"ל [וזהו שאמרו רבותינו זכרונם לברכה] במקום שאתה מוצא גדולתו של הקב"ה שם אתה מוצא ענותנותו כו'.

و توضیح آن این است که هر دو درست‌اند، چنان‌که پیش‌تر گفته شد. و این است آنچه حکیمان ما، که یادشان برای برکت باد، گفته‌اند: «هر جا بزرگی قدوس متبارک را بیابی، همان‌جا فروتنی او را می‌یابی» و الی آخر.

דהיינו לא כמו שהעולם סוברים שגדולת הבורא נק' מה שהוא ית' מחיה כל העולמות שאדרבה זו היא ירידה אצלו ית' שמשפיל עצמו ומתלבש תוך כ"ע [כל עלמין] להחיותם ולקיימם.

یعنی نه چنانکه مردم می‌پندارند که آنچه بزرگی آفریدگار خوانده می‌شود، این است که او، متبارک باد، به همهٔ عوالم حیات می‌بخشد؛ زیرا برعکس، این برای او، متبارک باد، فرودی است: خود را فرو می‌کاهد و درون همهٔ عوالم پوشیده می‌شود تا به آن‌ها حیات ببخشد و آن‌ها را پایدار نگه دارد.

6 وم"ש ואתה מחיה את כלם אינו שבח בבחי' גדולתו ית' שלגדולתו אין חקר ולתבונתו אין מספר אלא השבח הוא בבחי' ענוה שלו שיוכל להשפיל עצמו וכו'.

و آنچه نوشته شده است: «و تو به همهٔ آنان حیات می‌بخشی»، ستایش عظمت او – که متبارک است – نیست، زیرا «عظمت او فراتر از کاوش است» و «فهم او از شمار بیرون است»؛ بلکه ستایش از حیث فروتنی اوست، اینکه می‌تواند خود را فروبکاهد و مانند آن.

אבל ענין עוה"ב [עולם הבא] שנהנין מזיו השכינה הוא השגת מהות ועצמות התפשטות החיות אלקות בבחי' גילוי:

اما عالم آینده، که در آن از پرتو حضور الهی (שכינה, Shechinah) بهره می‌برند، ادراک ماهیت و ذات گسترش نیروی حیات (חיות, chayus) الهی است، به گونه‌ای آشکار.

7 ועתה צריך להבין איך תוכל הנשמה שהיא בחינת נברא יש ודבר בפ"ע [בפני עצמן] להשיג מהות ועצמות אלקות שאינו בבחי' השגה וגבול

اکنون باید فهمید: چگونه روح، که موجودی آفریده و هستی‌ای مستقل و چیزی قائم به خود است، می‌تواند ماهیت و ذات الوهیت را دریابد، درحالی‌که الوهیت در حدود فهم و محدودیت نمی‌گنجد؟

ואף שהנשמה היא חלק אלוה ממעל הוא ד"מ [דרך משל] כענין טפת הזרע שנמשכה מן המוח שלא יתכן לומר שגם עודנה במוחו היתה טפת זרע גשמית שא"כ הי' [היה] נחסר מהמוח כו'.

و با آنکه روح «بخشی از ه' در بالا» است، این امر، از باب تمثیل، مانند قطرهٔ نطفه‌ای است که از مغز کشیده می‌شود: نمی‌توان گفت که این قطره، وقتی هنوز در مغز او بود، نطفه‌ای جسمانی بوده است؛ زیرا اگر چنین بود، مغز کاسته می‌شد و مانند آن.

אך שבאמת התחלת המשכחה מן המוח הוא כח רוחני לבד אלא שאח"כ בהשתלשלות ירידתה דרך חוט השדרה נשתנית ונעשית טפה גשמית.

בלکه در حقیقت، آغاز امتدادیافتن آن از مغز، صرفاً نیرویی روحانی است؛ تنها پس از آن، در مراتب پی‌درپی نزولش از راه نخاع، دگرگون می‌شود و به قطره‌ای جسمانی بدل می‌گردد.

כן עד"מ הנשמה עיקר שרשה מבחי' אלקות ממש רק שנשתלשלה בירידתה להיות בחי' נברא יש ודבר בפ"ע [בפני עצמו] כו'.

به همین ترتیب، به‌عنوان تمثیل، ریشه اصلی روح از مرتبه خود الوهیت است؛ تنها آنکه در مراتب نزول فرود آمده تا موجودی آفریده، هستی‌ای مستقل و چیزی قائم به خود شود و مانند آن.

8 וא"כ איך תוכל להשיג מהות ועצמות אלקות. והענין דהנה כתיב ויבא משה בתוך הענן ויהי שם ארבעים יום וארבעים לילה לחם לא אכל כו'.

پس چگونه می‌تواند ماهیت و ذات الوهیت را دریابد؟ توضیح این است که نوشته شده: «و موسی (مשה) به میان ابر درآمد... و چهل روز و چهل شب آنجا بود؛ نان نخورد...» و غیره.

והי' [והיה] גופו הגשמי ניזון ממזון רוחני לבד כמ"ש לחם אבירים אכל איש וכו' ממש כמו המלאכים ואיך יוכל להיות זה שגשמי יקבל מזון וחיות מרוחני שמובדלים זמ"ז [זה מזה] בתכלית.

و جسم مادی او تنها از خوراکی روحانی تغذیه می‌شد، چنان‌که نوشته شده است: «آدمی نان نیرومندان را خورد»، و غیره؛ درست مانند فرشتگان. پس چگونه ممکن است چیزی مادی از چیزی روحانی خوراک و نیروی حیات دریافت کند، درحالی‌که این دو به‌کلی از یکدیگر جدا هستند؟

אך זהו ענין הענן שהיה משה ע"ה [עליו השלום] מתכסה בו דהיינו שהיה הענן שרשו ממדרגת אלקות מאד נעלה.

اما معنای ابر همین است؛ ابری که موسی، علی‌السلام، در آن پوشیده بود: ریشه ابر در مرتبه‌ای بسیار والا از الوهیت بود،

אך שנשתלשל ונתגשם להיות לבוש למשה ע"ה [עליו השלום] שע"י יוכל להשיג אלקות והיה לו למזון כמשל אדם הרואה ומסתכל באור צח דרך יריעה.

اما آن ابر پله‌پله فرود آمد و مادی شد تا پوششی برای موسی، علی‌السلام، باشد؛ پوششی که از طریق آن می‌توانست الوهیت را دریابد، و آن ابر خوراک او بود. این مانند کسی است که از ورای پرده‌ای به نوری درخشان می‌نگرد و در آن خیره می‌شود.

כמו כן תורה ומצות מעשיות ששרשם מרצה"ע [מרצון העליון] מחכמתו ית' שהם מיוחדים בו ית' הוא חכים כו'

همین طور تورات و mitzvos (מצות) عملی، که ریشه‌شان از ارادهٔ برین و از حکمت او، متبارک باد، است؛ و با او، متبارک باد، یگانه‌اند: «او حکیم است»، و غیره،

שהם למעלה מזיו השכינה שהוא רק התפשטות החיות כו' ونשתלשלו ונתפשטו ונתלבשו בעניני זה העולם הגשמי כמו קלף של תפלין וצמר של ציצית וצדקה כו'

که از فروغِ حضورِ الهی (שכינה, Shechinah) بالاترند؛ فروغی که تنها گسترشِ نیروی حیات است، و غیره. آن‌ها پله‌پله فرود آمدند، گسترش یافتند و در امور این جهان مادی پوشیده شدند؛ مانند پوستِ تَفیلین، پشمِ تسی‌تسیس و صدقه، و غیره.

כשأדם עוסק בתורה ובמצות נעשה לנשמתו לבושים שנתלבש בהם בגעה"ע [בגן עדן העליון] שע"י תוכל הנשמה שהיא בחי' נברא להשיג זיו השכינה עצמות אלקות.

وقتی انسان به تورات و mitzvos می‌پردازد، برای روحش پوشش‌هایی فراهم می‌شود که روح در آن‌ها در باغِ عدنِ برین (גן עדן העליון, Gan Eden HaElyon) پوشیده می‌شود؛ و از طریق آن‌ها روح، که موجودی آفریده‌شده است، می‌تواند فروغِ حضورِ الهی، یعنی ذاتِ الوهیت، را دریابد.

וזהו יפה שעה אחת בתשובה ומע"ט [ומעשים טובים] שהם שרשם מרצה"ע [מרצון העליון] ב"ה. מכל חיי עוה"ב [עולם הבא] שהוא רק זיו השכינה כידוע מ"מ הם נקראים לבושים שע"י תוכל להשיג זיו השכינה וד"ל [ודי למבין]:

و این معنای این سخن است: «یک ساعت بازگشت (תשובה, teshuvah) و اعمال نیک بهتر است»، که ریشه‌شان از ارادهٔ برینِ او، متبارک باد، است، «از همهٔ زندگیِ جهانِ آینده»، که تنها فروغِ حضورِ الهی است، چنان‌که دانسته است. بالاین‌همه، آن‌ها پوشش نامیده می‌شوند، زیرا از طریقشان [روح] می‌تواند فروغِ حضورِ الهی را دریابد. و این برای کسی که می‌فهمد کافی است.

9 ועתה צריך להבין ענין אוי"ר [אהבה ויראה] שהם רק גדפין לבד להגביה עיקר הדבר שהם תורה ומע"ט [ומעשים טובים]. ולהבין מהות האהבה מה היא. הנה בק"ש [בקריאת שמע] צריך שימליכוהו למעלה ולמטה ולד' רוחות העולם.

اکنون باید فهمید عشق و هیبت (אהבה وיראה, ahavah veyirah) چیست، [با توجه به اینکه] آن‌ها تنها «بال‌هایی» هستند برای بالا بردن اصل امر، یعنی تورا (تורה, Torah) و کارهای نیک. و [باید] حقیقت عشق را فهمید: چیست؟ اکنون، در قرائت شماع (קריאת שמע, Shema)، باید او را در بالا و پایین و در چهار جهت جهان به پادشاهی نشانند.

פי' דכתיב מכה"כ [מלא כל הארץ כבודו] ותרגומו זיו יקריה שהוא רק זיו והתפשטות והארה בלבד המתלבשת תוך כ"ע [כל עלמין] וכתיב את השמים ואת הארץ אני מלא בבחי' עצמות אלקות שאינו נתפס תוך מדה וגבול.

توضیح: نوشته شده است: «تمام زمین از جلال او آکنده است»، و ترگوم (Targum, תרגום) آن [چنین ترجمه می‌کند]: «پرتو جلال او»؛ که تنها پرتویی، گسترشی و تابشی است که در همه عوالم پوشیده می‌شود؛ و نوشته شده است: «من آسمان‌ها و زمین را پر می‌کنم»؛ این در مرتبه ذات الوهیت است، که در اندازه و حد نمی‌گنجد.

והענין ששניהם אמת כו'. כמשל בטול זיו השמש במקור השמש עצמה כידוע שבאמת עצמות אלקות מלא כל הארץ. אך מה שהוא מתפשט תוך כלי וגבול הוא בטל ונכלל במהו"ע [במהותו ועצמותו] אלקות כו'. و توضیح آن است که هر دو حقیقت دارند و غیره؛ مانند مثال خودنفی‌گری (ביטול, bittul) پرتو خورشید در سرچشمه‌اش، یعنی خود خورشید، چنان‌که معروف است؛ زیرا در حقیقت، ذات الوهیت تمام زمین را پر می‌کند. اما آنچه در ظرف و حد گسترش می‌یابد، در ذات و ماهیت الوهیت خودنفی می‌شود و در آن مندرج می‌گردد و غیره.

10 והנה כשיתבונן אדם היטב בזה בפסוד"ז [פסוקי דזמרה] ובק"ש [ובקריאת שמע] איך שבאמת הוא כן שהעולמות בטלים במקור חיותם רק מפני שהאדם הוא בכלי גשמי הגוף

اکنون، هنگامی که انسان در آیات ستایش (פסוקי דזמרה, Pesukei deZimra) و در قرائت شماع (קריאת שמע, Shema) به‌خوبی در این امر تأمل می‌کند که حقیقتاً چنین است: عوالم در سرچشمه حیات خویش هیچ استقلالی ندارند؛ و تنها از آن‌رو که انسان در ظرفی جسمانی، یعنی بدن، قرار دارد،

שהוא משכא דחויא שמתגדל ומתרבה מגשמיות המסתיר ומעלים שלא יוכל לראות בעיני ראי' [ראיה] חושית אזי יתעורר בלב תשוקה שיהי' [שיהיה] קשור בהתבוננות זו כל היום ולא יפרד ממש כלל.

بدنی که «پوستِ مار» است و بر اثر جسمانیتهی که پنهان می‌سازد و پوشیده می‌دارد، فزونی می‌یابد و رشد می‌کند، به‌گونه‌ای که انسان نمی‌تواند با چشم دیدِ حسی [آن را] ببیند؛ آن‌گاه شوقی در دلش برانگیخته خواهد شد تا تمام روز به این تأمل پیوسته بماند و به‌هیچ‌وجه از آن جدا نشود.

11 **وזהו קבלת מ"ש בפסוק ראשון ואהבת שיהי' [שיהיה] הוי' אלקיך שיהא תמיד קשור בהתבוננות זו ביטול העולמות להמחי' [להמחיה] ומהווה אותם רק מפני היות**

و این پذیرش آن چیزی است که در آیه نخست گفته شده است: «و دوست بدار»؛ یعنی **ה'**، **אלקים** تو باشد، تا انسان پیوسته به این تأمل پیوند داشته باشد: اینکه عوالم در برابر آن یگانه‌ای که به آنها حیات می‌بخشد و آنها را به وجود می‌آورد، در حال خودنفی‌گری (**بیטול**, bittul) باشند. فقط از آن‌رو که

כי גופו הגשמי לא יוכל לקבל ביטול אמתי הנ"ל יגמור בדעתו בק"ש [בקריאת שמע] ענין לימוד התורה באמרו ודברת במ.

اما چون جسم مادی او نمی‌تواند خودنفی‌گری حقیقی یادشده را تاب بیاورد، باید در ذهن خود، هنگام قرائت **שמע** (Shema)، عزم کند که به مطالعهٔ تورا (**تורה**, Torah) بپردازد، چنان‌که می‌گوید: «و دربارهٔ آنها سخن خواهی گفت.»

דהיינו שנפשו האלקית בעסקו בתורה נעשה יחוד אמתי עם התורה ואורייתא וקוב"ה [وکودשא בריך הוא] כולא חד ממש

یعنی، هنگامی که **نفس الهی** (**نפש האלקית**, Nefesh Elohis) او به تورا می‌پردازد، با تورا یگانگی‌ای حقیقی می‌یابد؛ و تورا و قدوس متبارک (**קב"ה** / **کودשא بריך הוא**, Kudsha Brich Hu) همگی حقیقتاً یکی‌اند.

כי اורייתא מח"ע [מחכמה עילאה] נפקת ונתלבשה בעיניי זה העולם וכשאדם מلبיש נפשו האלקית בעיניי לימוד התורה שבזה העולם

زیرا تورا از حکمتِ برین (**חכמה**, Chochmah) صادر شد و در امورِ این جهان پوشیده گشت؛ و هنگامی که انسان **نفس الهی** خود را در امورِ مطالعهٔ تورا در این جهان می‌پوشاند،

אזי גם שרש נפשו למעלה מתלבש ג"כ בתורה שלמעלה עד רום המעלות ונעשה שם יחוד גמור. וזהו הקב"ה יושב ושונה כנגדו כנ"ל. וזהו ה' צלך פי' כמו צל.

آن‌گاه ریشهٔ نفیس او در بالا نیز در تورای بالا پوشیده می‌شود، تا بلندترین مراتب، و در آنجا یگانگی‌ای کامل پدید می‌آید. و این [معنای] «قدوس متبارک می‌نشیند و در برابر او می‌آموزد» است، چنان‌که پیش‌تر گفته شد. و این همان «ה' سایهٔ توست» است؛ یعنی همچون سایه.

12 והנה כתיב אני הוי' אלהיכם אשר הוצאתי אתכם מארץ מצרים. פי' שלא יאמר האדם בדרך שפלות האריך יגיע למדרגת היחוד בתורה ותפלה מאחר

اکنون نوشته شده است: «من، ה'، اَلهِيکُمْ شما هستم؛ آن‌که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم.» مقصود این است که انسان نباید از سر فروتنی بگوید: «چگونه به مرتبهٔ یگانگی در تورا و دعا خواهیم رسید، حال آنکه

שהוא עדיין אינו סור מרע גמור כו' והוא עדיין בשלימות אצלו. זאת ישיב אל לבו שהשם הוא המוציא אותו מארץ מצרים.

هنوز به‌طور کامل از شرّ روی نگردانده‌ام و غیره، و [شرّ] هنوز در وجودم به‌تمامی پابرجاست؟» این را باید به دل بسپارد: ه' اوست که او را از سرزمین مصر بیرون می‌آورد.

פי' שהוא מבדיל ומפריש בנפשו הטוב מן הרע הנפש האלקית מנה"ב [מנפש הבהמית] כשהוא עדיין לא עשה רע בפו"מ [בפועל ממש].

مقصود این است که او در درونِ جانش، نیکی را از بدی، نفیس الهی (نפש האלקית، Nefesh Elohis) را از نفیس حیوانی (نפש הבהمیت، Nefesh HaBahamis) جدا و متمایز می‌سازد، درحالی‌که او هنوز در عمل مرتکب بدی نشده است.

13 ואפי' [وآפילו] רשע גמור הוא ממשיך בנפשו האלקית בעסקו בתורה רק שעליו נאמר ולרשע אמר אלקים מה לך לספר חוקי.

و حتی شخصی که کاملاً شرور است، هنگامی که به تورات اشتغال می‌ورزد، [نور] را به درونِ نفیس الهی (نפש האלקית، Nefesh Elohis) خود فرومی‌کشد؛ باین‌حال، دربارهٔ او گفته شده است: «اما اَلهِيکُمْ (Elokim) به شرور گفت: تو را با بازگویی احکام من چه کار؟»

פי' שאין תועלת לנפשו האלקי' מפני שעליו נאמר ותשלך דברי אחריו שלא יוכל להמשיך בתוך פנימיותו וד"ל [ודי למבין]:

یعنی، نفیس الهی او از این کار هیچ سودی نمی‌برد؛ زیرا درباره او گفته شده است: «و سخنان مرا پشت سر خود افکندي»؛ ازاین‌رو نمی‌تواند [آن را] به درون وجود خود بکشانند. و این برای آن‌که می‌فهمد بس است.

14 והנה בענין ברכות. ברוך אתה הוי' פי' ברוך הוא המשכה ורבויה שיהיה [שיהיה] הוי' שהוא בחי' צמצום והתפשטות כו' יהי' [יהיה] בחי' אתה לנוכח התגלות כו'.

اکنون، درباره بركات: «مبارک تویی، نام چهارحرفی (ה', Havayah)». یعنی واژه «مبارک» (ברוך, baruch) به معنای فرودآوردن و فزونی‌بخشیدن است؛ تا نام ה', که مرتبه انقباض و گسترش و جز آن است، به مرتبه «تو» برسد؛ یعنی [مخاطب] رودررو، آشکار و جز آن.

אך להיות כי הגוף הוא המסתיר ומחשיך רק לע"ל [לעתיד לבוא] יהיה התגלות אלקות וראו כל בשר ויהי' [ויהיה] בבחי' ביטול אבל עכשיו צריך להראות עכ"פ [על כל פנים] ענין הביטול בחיצוניות בכריעה והשתחוא' [והשתחואה] בראש הכורע כורע בברוך.

اما چون جسم است که پنهان می‌کند و تاریک می‌سازد، و تنها در زمان آئینده الوهیت آشکار خواهد شد، «و همه بشر خواهند دید» و [در حالت] خودنهی‌گری (ביטול, bittul) خواهند بود، اکنون [ازاین‌رو] باید دست‌کم خودنهی‌گری را در ظاهر نشان داد؛ با خم‌شدن و به سجده بردن سر: «آن‌که خم می‌شود، هنگام گفتن "مبارک" خم می‌شود».

וענין רופא חולים וגואל ישראל ומברך השנים הם כלים לבחי' המשכה והתגלות אלקות כו' והכורע צריך שיראה איסר כנגד לבו.

و [برکت‌های] «شفادهنده بیماران»، «رهایی‌بخش اسرائیل» و «برکت‌دهنده سال‌ها» ظرف‌هایی برای مرتبه فرودآوردن و آشکارشدن الوهیت و جز آن هستند. و آن‌که خم می‌شود باید [چنان خم شود که] [سکه‌ای خرد] (ایسر, issar) روبه‌روی قلبش دیده شود.

פי' עיקר המשכה יהי' [יהיה] במוח עד שיתפשט ג"כ בלבו אפי' [אפילו] מעט היינו בחי' איסר (ועמ"ש לקמן בפ' אוסרי לגפן)

یعنی فرودآوردن اصلی در مغز خواهد بود، تا در قلب او نیز گسترش یابد، هرچند اندک؛ این همان مرتبه ایسر است (و آنچه در ادامه درباره معنای «بستن (اوسری, osri) به تاک» نوشته شده، بنگرید).

**שהוא בחי' חפץ כדכתי' [כדכתיב] הודו על ארץ ושמים אפי' [אפילו] בבחי' זיו והתפשטות החיות המלוכש
תוך כ"ע [כל עלמין] ותכלית הכוונה להיות לו דירה בתחתונים וסוף מעשה במחשבה תחלה נעוץ סופן
בתחתן ולכן ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] ארץ נבראת תחלה כו':**

که مرتبه خواست است، چنانکه نوشته شده: «شکوه او بر زمین و آسمان هاست»؛ حتی در مرتبه پرتوافکنی و گسترش نیروی
حیات که در همه عوالم پوشیده است. و غایت مقصود آن است که برای او سکونتگاهی در میان عوالم فرودین (دירה
בתחתונים، dirah betachtonim) باشد؛ و «فرجام کردار، نخست در اندیشه است» و «پایانشان در آغازشان فرو رفته
است». ازاین رو حکیمان ما، یادشان گرامی باد، گفته‌اند: «زمین نخست آفریده شد» و جز آن.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/chayei-sarah/2/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک